

تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران

(۱۰)

رکن‌الدین همایونفرخ

یادآوری : در دوران پس از اسلام در ایران ایجاد واحداث مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها را در جوار و کنار مسجدها نباید از سنت‌های اسلامی دانست بلکه این سنت پسندیده و حمیده را ایرانیان از دوران هخامنشیان و چه بسا پیش از آن داشته‌اند .

آنچه از دوران هخامنشیان بجا مانده نشان می‌دهد که ایرانیان در جوار و کنار آتشگاهها دبستان و دبیرستان و کتابخانه می‌ساخته‌اند تا در آنجا نوآموزان و دانش‌پژوهان بفرارگرفتن دانشها بپردازند ، فردوسی توسی که در سرودن شاهنامه به اسناد پهلوی دسترسی داشته است در این باره می‌فرماید :

بهر برزنی در ، دبستان بدی همان جای آتش پرستان بدی

در دوران هخامنشیان کسانی که در اینگونه دبیرستانها و دبستانها بمقام استادی و ریاست و سرپرستی برگزیده می‌شدند بر همه دانشهای زمان خود چیره بودند و آنها را راتور می‌نامیدند در اوستا نیز راتوبمعنی سرپرست دانشها آمده است .

در دوران ساسانیان این واژه بصورت «رات» درآمد و پس از هجوم اسکندر مقدونی بایران و آشنا شدن یونانیها با دانشهای ایرانی - راتور - را بصورت رتور بکار برده‌اند ، باید توجه داشت که این واژه اصالت ایرانی داشته و واژه‌ایست از فرس قدیم ، همین واژه ، مارا به حقایقی راهنمایی میکند و نشان می‌دهد که ایرانیها از چند هزار سال قبل از میلاد مسیح (زمان پیدایش اوستا) دانشهای مگدون داشته‌اند و برای دانشگاههای خود که در آن به داوطلبان دانش می‌آموخته‌اند سرپرست انتخاب میکردند (استاد) و قطعی است در مکانیکه دانش می‌آموختند و سیله دانش اندوزی نیز که کتاب باشد در دسترس پژوهندگان و طالب علمان قرار میداده‌اند .

در زمان ساسانیان استاد را «پیره سر» میخوانده‌اند و باید گفت ایرانیها بر اساس سنت دیرینه‌ای که داشتند در جوار و کنار پرستشگاههای خود به احداث دانشگاه و دبستان دست می‌بازیده‌اند و پس از اسلام نیز به پیروی از همین روش و روال در کنار مسجدها به ایجاد و بنیاد مدرسه و کتابخانه پرداختند و چون مدرسه و دبستان و دانشگاه بدون کتاب و کتابخانه نمی‌توانست باشد و مفهوم و معنایی نداشت بنابراین کتابخانه‌های عمومی ایران اکثراً در کنار مدرسه‌ها بود تا طلاب علوم بتوانند به آسانی بکتاب دسترسی داشته باشند و از دانش و علوم بهره‌ور گردند .

توضیح : در شماره‌های پیش یادآور شدیم که با کمال تأسف جرجی زیدان مورخ مصری در آثار خود عالماً عامداً از کتابخانه‌های معروف و معتبر پیش از اسلام ایران در آثار خود یاد نکرده و خود را به تجاهل و تغافل زده بوده است .

آنچه را درباره جرجی زیدان نوشتیم دور از هرگونه نظر خصوصی و تعصب بود و برای اینکه در این باره حقیقت روشن‌تر شود ناچار به بیان مختصر توضیحی است :

پس از نشر کتابهای «آداب اللغه و تاریخ تمدن اسلام» تألیف جرجی زیدان، دانشمند گرانقدر آقای سیدحسن صدرکه از عناصر طراز اول شیعی و از کتاب شناسان بنام و مشهور معاصرند، شرحی به جرجی زیدان مرقوم میدارند و متذکر میگردند که در آثاری که نشر داده‌اید ذکری از کتابهای علمی و ادبی شیعی نیست مگر از وجود اینگونه کتابها بی اطلاعیید؟ این چنین کار درخور و شأن یک محقق عالیمقام نیست که خود را در ورطه بی‌خبری غوطه‌ور سازد!»

جرجی زیدان در پاسخ نامه آقای سیدحسن صدر مینویسد: «از کتابهای مذهب جعفری تنها موش‌ها باخبرند نه انسانها».

شادروان پرفسور شبلی نعمانی نیز که در ادبیات فارسی و عربی استادی مسلم بود پس از نشر کتابهای جرجی زیدان چون مباحث و مطالب آن را بر اساس تعصبات خشک نژادپرستی و دور از حقیقت و معمول یافت در یکی از مجله‌های مصری تحت عنوان «نقدی بر تمدن اسلامی جرجی زیدان» سلسله مقالاتی عمیق و دقیق نوشت و نشر داد و حقایق را آشکار ساخت و بر مطالب واهی و خلاف واقع مؤلف تمدن اسلامی خط بطلان کشید.

این سلسله مقالات بعدها بصورت کتابی جداگانه چاپ شد دانشمند محقق معاصر آقای مرتضی مدرسی چهاردهی نیز در شرح حال شیخ آقا بزرگ تهرانی متذکرند که جرجی زیدان چگونه تحت تأثیر نظرات شخصی خود قرار گرفته و نسبت به تشکیلات اسلامی نظرهای واهی داده است.

۷۵ - کتابخانه خاندان بلعمی : خاندان بلعمی‌ها اکثرشان از وزرای سامانیان بودند و بیشتر افراد این خانواده از دانشمندان و دانش‌پژوهان ایرانند، آنان در خراسان کتابخانه عظیمی داشته‌اند که مورد استفاده و استفاده اهل علم و ادب قرار می‌گرفته‌است. (درباره خاندان بلعمی در صفحات آینده به تفصیل مطالبی داریم)

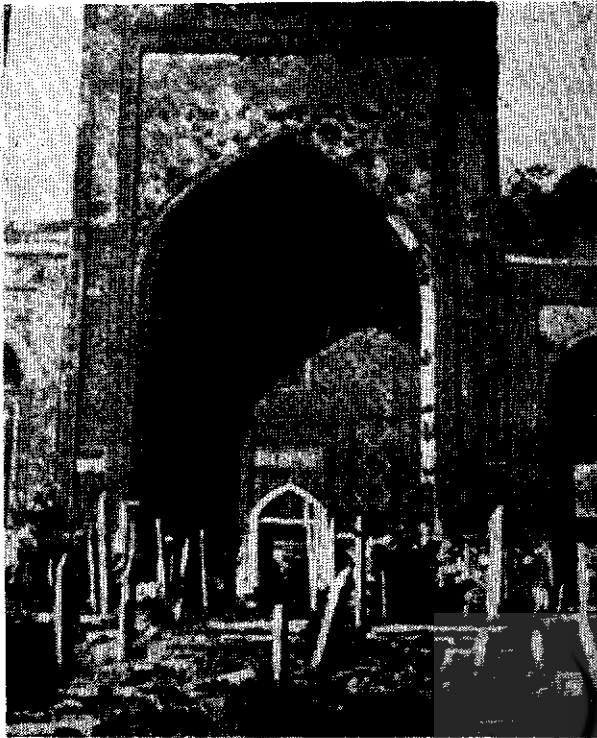
۷۶ - کتابخانه قزوینی در بغداد : ابویوسف عبدالسلام بن محمد بن یوسف بن بندار قزوینی معتزلی در گذشته سال ۴۸۹ ه. ق کتابخانه بزرگی در بغداد بنام خود تأسیس کرده بود

۷۷ - کتابخانه مارستانی : ابویکر عبدالله بن بکری مارستانی کتابخانه‌ای بنام دارالعلم در بغداد بنیاد نهاد و کتابهای ذی‌قیمتی بر کتابخانه وقف کرد در گذشت مارستانی سال ۵۹۹ ه. ق. بوده است.

۷۸ - کتابخانه نظامیه بغداد : خواجه نظام الملک، دانشگاه نظامیه بغداد را سال ۴۵۹ ه. ق بنیاد نهاد و کتابخانه بزرگی برای آن فراهم آورد که نوشته‌اند نزدیک به هفت هزار مجلد کتاب مخطوط داشته است.

۷۹ - ۸۰ : کتابخانه‌های نظامیه - نیشابور - اصفهان : این‌اثیر در کامل‌التواریخ درباره کتابخانه نظامیه بغداد شرحی مستوفی دارد. و بنا بر نوشته او چون دانشگاه نظامیه نیشابور و اصفهان بر اساس دانشگاه نظامیه بغداد تأسیس یافته بوده‌است مسلم است که این دو دانشگاه نیز کتابخانه‌های معظمی داشته‌اند. در دانشگاه نظامیه نیشابور سالی چند شیخ الاسلام ابو حامد محمد غزالی درس می‌گفته است.

۸۱ - کتابخانه شیخ الاسلام ابو حامد محمد غزالی : امام فخرالدین رازی متوفی ۶۰۶ ه. ق در کتاب مناظرات خود از صومعه غزالی یاد میکند و مینویسد که خود بدان صومعه رفته و در آنجا کتاب المستصفی تألیف غزالی را مطالعه کرده و ضمناً یاد آور گردیده که در خانقاه غزالی گروهی از دانشمندان و عارفان بمطالعه آثار غزالی و دیگر کتابها می‌پرداخته‌اند. و این اشاره میرساند که امام ابو حامد محمد غزالی در خانقاه خود کتابخانه‌ای بنیاد و برای استفاده عموم وقف عام کرده بوده‌است و این نظر را سند دیگری هم تأکید میکند و این سند از زنده یک عدد قلمدان فلزی است که در اطراف آن با خطوط نقره کوب چنین نوشته‌اند «لخزانه مولانا الامام الربانی



راست : «آرامگاه رودکی واقع در پنج رودك» این سخور نامور برای کاخ
پرشکوه فرهنگ و ادب فارسی چنان پایه‌ای استوار افکند که فتنه‌های زمان
و حوادث دوران طی دوازده قرن نتوانست بر آن کمترین خللی آورد
چپ : آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات - کتابخانه مزار پیر هری
معروفیت و شهرت بسیار داشت

الاعظم والصدرالمعظم مفتی الفرق لسان الحق ، علامة العالم سلطان العلماء کنز الحقایق افضل المتأخرین
محمد الغزالی عکس شماره (۵)

چنانکه میدانیم در زبان عرب خزانه بمعنی کتابخانه مصطلح اهل علم بوده است .
کتابخانه خانقاه امام محمد غزالی در شهر توس بوده است . در اینجا بجاست نکته‌ای را درباره
امام محمد غزالی و برادرش احمد غزالی یادآور شود .

نسبت شیخ الاسلام ابو حامد محمد را چنانکه در اینجا آورده‌ایم باید با تخفیف (ز) خواند
و نوشت و مؤید این نظر اسنادی است که ارائه میشود .

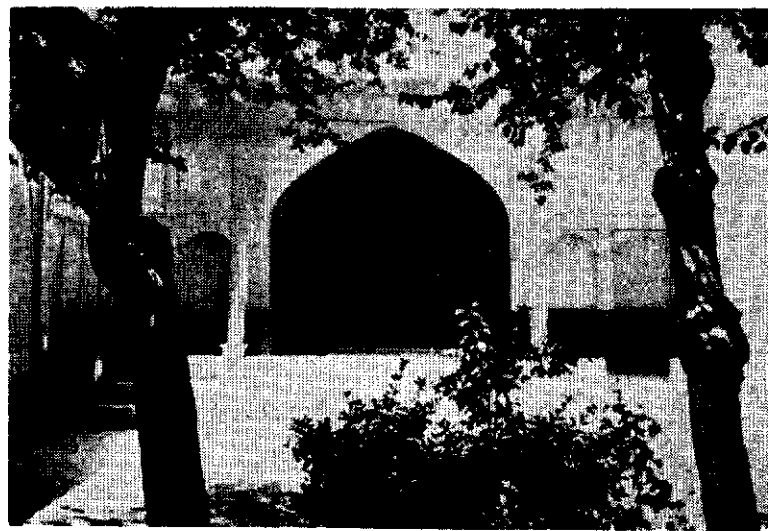
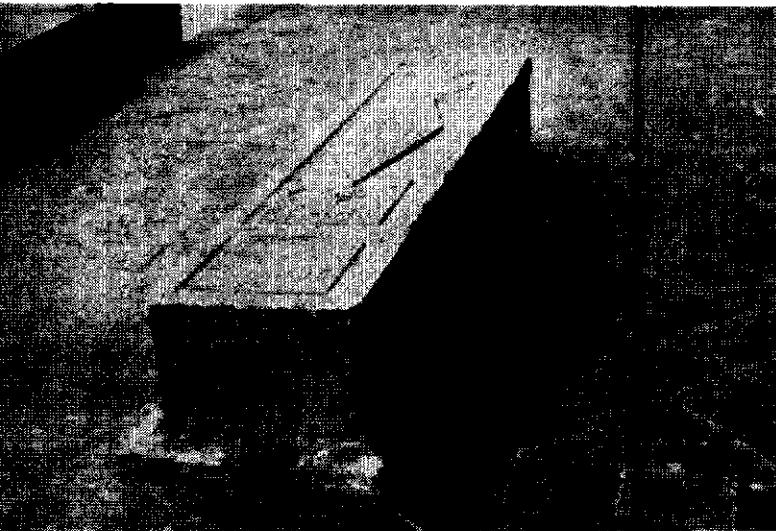
محمد و احمد برادرش را از آنجهت غزالی خوانده‌اند که منسوبند به آبادی غزاله
و این آبادی یکی از دپه‌های تابران نزدیک سناآباد توس بوده است .

پیش از اینکه این دو برادر بوجود آیند و نام آور شوند دانشمندان و شعرای بنام دیگری
منسوب به غزاله بوده‌اند و به همین مناسبت تخلص و نسبتشان غزالی شده و بآن شهرت و معروفیت
یافته‌اند از جمله محدث و فقیه بزرگ خراسان شیخ الاسلام ابو حامد محمد غزالی توسی اول
معروف به غزالی کبیر که سالها قبل از تولد شیخ الاسلام ابو حامد محمد غزالی صاحب کتابهای
المنقذ من ضلال و کیمیای سعادت و دهها اثر دیگر می‌زیسته و مورد توجه و احترام عامه مردم
خراسان بوده . و مزارش در توس بنوشته سبکی در طبقات الشافعیه مطاف اهل حق بوده و محمد
و احمد غزالی پیوسته زیارت مرقد شریف ایشان میرفته و همت می‌طلبیده‌اند؟ چون غزالی کبیر
از مردم تابران توس بود بغزالی شهرت یافته بود و بهمین سابقه شیخ الاسلام ابو حامد و برادرش
احمد نیز که از مردم غزاله بوده‌اند بغزالی مشتهر گشتند و اینک موارد دیگری نیز در تأیید این
نظر ارائه میدهم .

الف - غزالی مروزی توسی که غزالی توسی تخلص داشته و عوفی هم در لباب الالباب^۲

۲ - طبقات الشافعیه جلد سوم ص ۳۵

۳ - ص ۱۶۲ ج ۲



راست : نمای آرامگاه خواجه نظام‌الملک و چند تن از پادشاهان سلجوقی در اصفهان - کسانیکه در این آرامگاه آرمیده‌اند هر يك برای سربلندی و افتخار ایران رنجها برده و با بنیاد کتابخانه‌ها گنجها فراهم آوردند، روانشان شاد و نام نامیشان تا ابد بر باد چپ : سنگ مزار خواجه امام . نظام‌الملک در اصفهان بنیان‌گذار کتابخانه‌های نظامیه

از او شرح حال بدست میدهد و تخلص او نیز بهترین دلیل بر صحت این نظر است که غزالی با تخفیف (ز) صحیح است نه با تشدید آن . میگوید :

اندر غم تو غزالی عاشق حقا که زجانت دوست دارد .

ب - محمود طاهر غزالی معروف به نظام مگدرس مدرسه جلالی و مؤلف رساله معرفة المذاهب .

ج - غزالی بلخی که از نواده های امام محمد غزالی مورد بحث بوده و نامش برهان‌الدین میراسلام است و در قصیده سرائی از شعرای تواناست و از مدح‌کنندگان پادشاهان هزاراسی در بلخ بوده‌است و تخلصش غزالی بلخی است و این بهترین و قاطع‌ترین سند است بر اینکه غزالی منسوب به غزاله است و با تخفیف (ز) زیرا نواده غزالی خود را منسوب به غزاله دانسته و نام و شهرت جدش را نیز با تخفیف (ز) میدانسته است .

د - غزالی تبریزی از مردم غزاله و ساکن در تبریز بوده و از شعرای دوران صفوی است این غزالی بسیار زشت‌روی بوده و او را میمون الشعراء میخوانده‌اند .
ه - غزالی چنک مشهدی او جز غزالی مشهدی شاعر قرن دهم است در هرات می‌زیسته و غزل نیکو می‌سروده .

و - غزالی سمرقندی که از غزل‌سرایان معروف ماوراءالنهر است .

ز - شیخ محی‌الدین غزالی توسی که از عارفان بنام قرن هشتم بوده و در ۸۳۰ در حلب در گذشته است .

ح - غزالی مشهدی شاعر قرن دهم که به هندوستان رفت و بمقام ملك الشعرائی رسید و مثنوی نقش بدیع او شهرت و معروفیت دارد .

ابن خلکان درباره غزاله مینویسد : وقيل الزاي مخففه نسبة الى غزاله قرية من قري توس - سمعاني در انساب و شيخ بهائي در كشكول تصريح باين امر دارند و بنا بر اين جای شك نیست که غزالی‌ها بمناسبت نسبت به غزاله نامشان با تخفیف (ز) صحیح است و مستعرب‌ها روی

عرب‌مآبی اصرار دارند که غزالی را با (ز) مشدد بخوانند و بنامند و برای آن معانی واهی و دور از ذهن بتراشند .

۸۲ - کتابخانه مدرسه سعدیه نیشابور : این کتابخانه و مدرسه آن از بناهای حکمران نیشابور ابونصر بن سبکتکین برادر سلطان محمود غزنوی بوده است .

۸۳ - کتابخانه ابوسعید نیشابور : ابوسعید اسمعیل بن علی بن منشی استرآبادی عارف و واعظ شهیر مدرسه و کتابخانه بزرگی در نیشابور بنیاد نهاده بود .

۸۴ - کتابخانه اسفراینی نیشابور : این کتابخانه از مستحذات ابواسحق اسفراینی بوده است .

۸۵ - کتابخانه مدرسه بیهقیه نیشابور : سالها قبل از اینکه مدرسه نظامیه در نیشابور ساخته شود این مدرسه و کتابخانه آن وجود داشته و مرجع دانشمندان و محققان بوده متأسفانه نام و نشانی بانی آنرا نتوانستیم بشناسیم .

۸۶ - کتابخانه تورانشاهی کرمان : تورانشاه از پادشاهان سلجوقی آل قاورود کرمانست که از ۴۷۷ - ۴۹۷ در کرمان پادشاهی و سلطنت میکرده او ممدوح حکیم مختاری غزنوی است و از جمله پادشاهان شعر دوست و دانش پرور سلجوقیان کرمان است در کرمان مدرسه بزرگی بنا کرد که بنام مدرسه ملک نام آور بوده است و در تاریخ کرمان از این مدرسه و کتابخانه یاد شده است^۴ و شماره کتابهای کتابخانه ملک کرمان را پنجهزارمجلد ثبت کرده‌اند .

۸۷ - کتابخانه مدرسه امامزاده در شوشتر : ساختمان بنای امامزاده عبدالله شوشتر بسال ۶۲۹ هـ . ق . بوده است و در جوار آن بنای کتابخانه و مدرسه و میهمانسرای بزرگی نیز وجود داشته است ، این امامزاده و کتابخانه آن بر روی تلی در جنوب شهر شوشتر قرار یافته بود و هم‌اکنون از بنای امامزاده ساختمان نیمه‌ویرانی بجای مانده است .

۸۸ - مدرسه و کتابخانه دومنار گلشن : این مدرسه و کتابخانه آن از یادگارهای دوران فرمانروائی سلجوقیان در خراسان بوده است .

در اینجا یادآوری نکته‌ای بجا و بمورد است و آن اینکه : گرچه دوران نسبه^۵ طولانی فرمانروائی سلجوقیان در ایران موجبات ترقی و تعالی هنر و ادب را فراهم آورده بود لیکن در پایان کار دولت ایشان بعلت تجزیه و تفرقه‌ای که میان امر و امنای دولت در کشور پهن‌آور ایران پدید آمد و موجب تاخت و تازهای پی‌درپی گردید سکون و آرامشی که نزدیک به صد و پنجاه سال در سراسر ایران فرمان میراند و موجود بود آوردن آثار بسیاری در ادب و فرهنگ و هنر ایران بود دستخوش اختلال و تلاشی و بحران گشت و دانشمندان در اثر این عوامل دچار عسرت و پریشانی شدند و خزائن کتابخانه‌ها بتاراج و غارت رفت و صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری بر سازمانهای فرهنگی و طبقه منورالفکر ایران وارد آمد .

دراثر آرامش و سکون و امنیتی که بدان اشارت رفت طی یکقرن در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی و کلامی و هنرهای زیبا و معماری آثار گرانبه‌درد و نادر الوجودی بوجود آمد و میتوان این زمان را یکی از دورانهای پرشکوه اعتلاء و اوج هنر و ادب و فرهنگ ایران دانست و در این زمینه میتوان بگفته عبدالجلیل قزوینی مؤلف دانشور النقض استناد جست و آنرا در باره چگونگی نشر معارف و فرهنگ معیاری گرفت . عبدالجلیل قزوینی در باره فراوانی و تعدد تألیفات کتب شیعی در زمان خودش در پاسخ مدعی چنین نوشته است : «آنکه گفته است رافضیان را درس فقه و شریعت نباشد و خود به اجتهاد مجتهدان در آورد . و قیاس و اخبار صحیح بگویند» پاسخ میدهد که «اما جواب این کلمات آنست که چگونه درس فقه و شریعت نباشد ؟ جماعتی را که کتب‌خانه‌های ایشان مملو باشد از کتب اصولی و فروعی که تعدید و تحصیر آن متعذر باشد

و در اسامی رجال از مصنفان و رواة ایشان مجلدی مفر دبايد^۵ .

راوندی در راحة الصدور درباره نهب و غارت و ویرانی کتابخانه‌ها و پریشانی معاش دانشمندان و اهل علم در پایان کار دولت سلجوقیان مطالبی دارد که توجه بآن در این موقع و مقام بجا و بمورد است ، مینویسد :

« در شهر سنه ثمان و تسعين و خمس مایه (۵۹۸) در جمله عراق کتب علمی و اخبار و قرآن به ترازو می کشیدند و یک من به نیم دانگ می فروختند و قلم ظلم و مصادرات بر علماء و مدارس و مساجد نهادند و هم چون از جهودان سرگزیت ستانند در مدارس از علماء زیر میخواستند ، لاجرم سرنگون شد « یعنی دولت سلجوقی^۶ . » و در غارت کتابخانه‌های فارس بدست سواران و لشکریان اتابک پهلوان و کسان او مینویسد :

« . . . شنیدم که در میان نهبها و آنچه از غارت پارس آورده بودند جامه خوابی باصفهان از باربر گرفتند کودکی دوسه ماهه مرده از میان جامه خواب بدرافتاد و هم چنین دیدم که مصاحف و کتب وقفی که از مدارس و دارالکتبها غارت کرده بودند در همدان به نقاشان میفرستادند و ذکر وقف محوم میکردند و نام و القاب آن ظالمان بر آن نقش میزدند و به یکدیگر تحفه می ساختند^۷ »
۸۹ - کتابخانه مسعودی بخرارا : کتابخانه مسعودی بخرارا تا قبل از حمله چنگیز یکی از کتابخانه‌های عمومی و معتبر بخرارا بوده است که مغولان پس از تصرف بخرارا آنرا ویران و با خاک یکسان ساختند^۸

۹۰ - کتابخانه خجندیان در اصفهان : نویسنده تاریخ یمینی متذکر است که « پس از واقعه غزان در نیشابور و ویرانی مدرسه‌ها و مسجدها تفسیر معروفی را که وسیله خلف بن احمد سیستانی فراهم آمده بود و در کتابخانه صابونی نیشابور از آن نگاهداری می شد به همت مردان دانش دوست از آنجا خارج گردید و در اصفهان بکتابخانه خجندیان انتقال یافت .

خجندیان که خانواده اهل فضل و دانش بودند از زعمای شافعیه ایران بشمارند ، نخستین کس از خجندیان که شهرت و معروفیت یافت ابوبکر محمد بن ثابت خجندی است که در شهر مرو بمنبر میرفت و مجلس میگفت ، خواجه نظام الملک به مجلس و عطا او میرفت و او را معزز و مکرم میداشت و پس از اینکه مدرسه نظامیه اصفهان بنیاد یافت ، خواجه نظام الملک ابوبکر ثابت خجندی را برای تدریس در نظامیه اصفهان فراخواند و از آن زمان خاندان خجندیان در اصفهان سکونت گزیدند . افراد این خاندان یکی پس از دیگری سالیان دراز مصدر مشاغل مهم بوده اند^۹ اکثر افراد خجندیان اهل تقوی و فضیلت بودند و چنانکه از اشاره تاریخ یمینی بر می آید در شهر اصفهان کتابخانه عمومی برای استفاده طالب علمان فراهم آورده بودند که بدیهی است بیشتر کتابهای آن کتابخانه مربوط به مذهب شافعی بوده است .

۹۱ - کتابخانه شافعیان ساوه : شهر ساوه مانند اصفهان از مراکز علمی و مذهبی شافعیان بوده است و سالیان دراز این مرکزیت محفوظ مانده بود و به همین مناسبت دانشمندان بزرگ و برجسته‌ای در علم کلام و حدیث از ساوه برخاسته اند .
شهر ساوه دارای مسجد جامع و مدرسه‌ای بزرگ و نام آور بود و مدرسه و مسجد و کتابخانه معظم و کم نظیر آن نیز شهرت و معروفیت بسزا داشت .

پس از حمله مغول و تصرف ساوه بدست سپاهیان تاتار مدرسه و مسجد ساوه ویران گردید و کتابهای نفیس کتابخانه آن دستخوش آتش گشت هنوز بقایای مسجد جامع ساوه بریاست و از مسجد و عظمت و شکوه گذشته آن حکایت میکند^{۱۰}

۵ - النقض ص ۴۹

۶ - راحة الصدور ص ۳۳

۷ - راحة الصدور ص ۳۳۶

۸ - دائرة المعارف اسلامی فرید وجدی

۹ - راوندی در راحة الصدور ص ۴۲۱ و ۴۸۵ و محمد عوفی در لباب الالباب ص ۳۵۴ و علامه فقیه

محمد قزوینی در تعلیقات بر لباب الالباب شرحی مستوفی در معرفی خاندان خجندیان آورده اند .

۱۰ - معجم البلدان یا قوت

کتابخانه‌های بزرگ شهر مرو

از قرن سوم هجری تا هجوم چنگیزخان بایران^{۱۱} شهرهای بخارا، مرو، بلخ، نیشابور، غزنه، مرکزیت علمی داشتند و درهریک از این شهرها مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ و با عظمت برای پرورش دانشمندان و محققان و طالب علمان وجود داشت و دست‌اندرکاران ادب و فرهنگ از دورترین نقاط ایران و کشورهای مجاور باین شهرها روی می‌آوردند و به تکمیل تحصیلات و دانش خود می‌پرداختند و از محضر دانشمندان بنام این دوران که در مدرسه‌های متعدد بتدریس اشتغال داشتند و در حقیقت دانشکده‌های علوم معقول و منقول و عقلی و نقلی بودند برایگان استفاده می‌کردند و برخوردار می‌شدند.

چنانکه گفته شد مدرسه‌های قدیم بیشتر در جوار و کنار مسجدها بنا شده بودند و از طرف واقفان و بنیان‌گذاران برای اداره امور آن دهات و مستغلات و مزارع بسیار موقوفه داشتند که از محل درآمد آنها هزینه نگاهداری اینگونه مدارس و کتابخانه‌ها و حتی هزینه زندگی دانشجویان نیز تأمین می‌گردید.

متأسفانه فهرست مدرسه‌های ایران مانند کتابخانه‌های آن در اثری بطور کامل و جامع ثبت و منعکس نیست و گوئی نویسندگان گذشته چون تذکر آنرا مهم نمیدانستند متذکر آنها نشده‌اند. لیکن از مطالبی که بطور جسته و گریخته در بعضی از متون تاریخی و ادبی آمده است میتوان پیچگونگی اداره و نقش برجسته اینگونه مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها در ترقی سطح فرهنگ عامه و بوجود آوردن آثار گرانبهای ادبی و علمی پی برد. در صفحات گذشته از شهر نیشابور شش کتابخانه بر شمرده‌ام در حالیکه نوشته‌اند شهر نیشابور ۱۳ کتابخانه معروف و معتبر داشته است! متأسفانه نویسنده نتوانست به نام و نشان پیش از شش کتابخانه آن دست یابد و آنها را باز شناسد. با همین معیار و مقیاس میتوان دریافت که شماره و تعداد کتابخانه‌های شهرهای مهم و معتبر ایران چند برابر آن بوده است که ما توانسته‌ایم با تفحص و تصفح و تجسس و تحقیق به نام و نشان آن‌گاه شویم و آنها را بر شماریم.

در میان شهرهای یاد شده، مرو و بخارا بیش از شهرهای دیگر آباد بوده‌اند و مرکزیت علمی داشته‌اند.

یاقوت حموی در معجم البلدان از عظمت و بزرگی شهر مرو یاد میکند و چند کتابخانه معروف و مشتهر آنرا که خود دیده و به آنها مراجعه کرده بوده است نام می‌برد.

شمس‌الدین محمد قیس‌رازی مؤلف المعجم فی معایر اشعار العجم که گاه در بخارا و زمانی در مرو بسر می‌برده و با استفاده از کتابخانه‌های این دو شهر بکار تألیف و تصنیف اشتغال داشته است او نیز چون یاقوت حموی در سال ۶۱۶ هـ. بعزت هجوم مغول از ماوراءالنهر گریخته و به شهری پناه آورده است^{۱۲} یاقوت حموی در معجم البلدان ضمن تعریف و توصیف شهر مرو از کتابخانه‌های آن چنین تعریف میکند «متأسفم از اینکه از شهر مرو جدا شدم، در مرو ده کتابخانه وجود داشت که مانند آنها را از لحاظ داشتن تعداد کتاب و نفاست و ارزش در جهان ندیده‌ام».

یاقوت حموی سپس شرح میدهد که چگونه از کتابخانه‌ها کتاب بامانت می‌گرفته است و اطلاع از این گزارش برای دانش‌پژوهان امروز موجب شگفتی است زیرا نشان میدهد که در حدود هفتصدسال پیش از این ایرانیها با چه سعه صدر و عظمت فکر کتابخانه‌های بزرگ فراهم می‌آوردند و مهمتر آنکه کتابهای گرانبها و نادر الوجود و گرانقدر و نفیس را بدون هیچگونه قید و بندی در اختیار دسترس دانشمندان و طالب علمان حتی بیگانگان قرار میدادند!! یاقوت حموی می‌نویسد:

«امانت گرفتن کتاب از کتابخانه‌های دهگانه مرو بسیار سهل الحصول و آسان و بدون تشریفات بود. کتابهای آنها در دسترس عموم قرار داشتند من، همه وقت در خانه‌ام در حدود



قلمدان فلزی طلاکوب متعلق بکتابخانه امام محمد غزالی

دویست جلد از کتابهای این کتابخانه‌ها را در امانت داشتیم و بیشتر کتابهاییکه برای مطالعه میخواستیم بدون سپردن وجه‌الضمان و یا دادن گرووی در اختیارم میگذاشتند .

من ، از وجود این کتابخانه‌ها بسیار خوشنود و شادمان بودم تا حدی که وطن مألوف و اهل و اولاد را از یاد برده و آنها را بفراموشی سپرده بودم . از کتابهای این کتابخانه‌ها استفاده‌های بسیار کردم و باید بگویم بیشتر اطلاعات و دانستنی‌هاییکه در کتاب معجم البلدان و دیگر تألیفاتم آورده‌ام از پرتو مطالعه و استنساخ کتابهای این کتابخانه بوده‌است و به یقین اگر تاتار (مغول) به مرو نزدیک نمی‌شد هرگز از مرو بیرون نمی‌شدم ، من در سال ۱۹۱۶ هـ . از شهر مرو مفارقت جستیم .»

با تصریحی که یاقوت حموی کرده‌است درمی‌یابیم که تألیف کتابهای معجم البلدان در هشت مجلد - معجم الارباب در پنج مجلد - معجم الشعراء در یک مجلد - المبدأ و المال - کتاب الدول - مجموع کلام ابی‌علی‌الفارس کتاب‌المقتضب فی‌النسب - اخبار المتنبی ، مرهون و مدیون استفاده از کتابخانه‌های مرو بوده‌است که گنجینه‌های نفیس از کتابهای بی‌نظیر و منحصر بفر در اختیار داشته‌است .

اینک با مقدمه‌ای که درباره کتابخانه‌های مرو آوردیم بمعرفی آنها به نقل از گفته‌های یاقوت حموی می‌پردازیم .

۹۲ - کتابخانه عزیزیه مرو : این کتابخانه در جوار مسجد جامع مرو قرار داشته‌است که آنرا عزیزالدین ابوبکر زنجانی شرابدار سلطان سنجر سلجوقی ساخته و وقف عام کرده بوده‌است. عزیزالدین ابوبکر زنجانی در بازار مرو میوه فروشی میکرده و سپس بمقام ساقی‌گری سلطان سنجر رسیده و از درایت و کفایتی که بمنصه ظهور رسانیده بسیار مورد تقرب سلطان سنجر قرار گرفته بوده‌است . و بهترین نشان از زیادت و درایت او اینکه دست باحداث و ایجاد کتابخانه‌ای عمومی برای اسفاده اهل علم و دانش‌زده بوده و با این ابتکار و دوراندیشی نامش را نزد دانشمندان و دانش‌پژوهان تا با امروز مخلد ساخته‌است . بطوریکه یاقوت متذکر است کتابخانه عزیزیه دوازده هزار جلد کتاب مخطوط داشته‌است .

۹۳ - کتابخانه کمالیه مرو : این کتابخانه در جنب مسجد جامع مرو قرار داشته و یاقوت از واقف و مؤسس آن اظهار بی‌اطلاعی کرده‌است .

۹۴ - کتابخانه شرف‌الملک مرو : ابی‌سعید محمد بن منصور شرف‌الملک مستوفی که در سال ۴۹۴ در گذشته بوده‌است و مذهب حنفی داشته‌این کتابخانه را ساخته و وقف عام کرده بود .

۹۵ - کتابخانه نظام‌الملک مرو : حسن ابن اسحق ملقب به نظام‌الملک در مدرسه خود که بنامش معروف بود کتابخانه‌ای ایجاد کرده بود که بصورت کتابخانه عمومی اداره می‌شده‌است .

۹۶ - کتابخانه عمیدیه مرو : این کتابخانه را عمیدالملک ساخته بوده و آنرا وقف عام کرده بوده‌است و این کتابخانه نیز از کتابخانه‌های عمومی شهر مرو بشمار میرفته‌است .

۹۷ - کتابخانه مجدالملک مرو : بنوشته یاقوت حموی مجدالملک کتابخانه‌ای عمومی در مرو بنا نهاده بود که مورد استفاده و مراجعه دانشمندان بوده و یکی از کتابخانه‌های دهگانه و مشهور مرو بوده‌است .

۹۸ - کتابخانه خاتونی مرو : این کتابخانه در مدرسه خاتونیه مرو قرار داشته و بنیان‌گذار آن یکی از بانوان خیر و دانش پرور خاندان سلجوقی بوده‌است .

۹۹ - کتابخانه ضمیریه مرو : این کتابخانه به عارفان مرو تعلق داشته و محل آن خانقاه ضمیریه مرو بوده‌است .

تصحیح و معذرت

در شماره ۵۲ مجله هنر و مردم در مقاله « تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران » استاد حبیبی به اشتباه پاکستانی معرفی شد و حال آنکه ایشان دانشمند و محقق معاصر افغانی میباشند. مجله هنر و مردم از استاد ارجمند جناب آقای حبیبی پوزش می‌طلبد .